

استعاره و کاربرد آن در شعر پایداری در انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی (بر اساس اشعار فرخی یزدی و عبدالجبار کاکایی)

مرضیه قاسمی جوجیلی^۱، محمدرضا یوسفی^۲، رضا فهیمی^۳

^۱گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

ایمیل: ma.ghasemi3697@iau.ac.ir

^۲گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه قم، قم، ایران.

^۳گروه زبان ادبیات فارسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

ایمیل: Fahimi@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۴ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۸

چکیده

استعاره یکی از شیوه‌های پیچیده تفکر و بیان معانی است که نقشی اساسی در آفرینش آثار ادبی و بیان اندیشه‌های ناگفتنی شاعر ایفا می‌کند. از دیدگاه بلاغی، استعاره رساتر از تشبیه است به همین جهت در انتقال پیام شاعرانه بهتر نقش آفرینی می‌کند. ریشه این رویکرد در اوضاع سیاسی و اجتماعی موجود، تجربه‌های شخصی شاعر و گرایش‌های فکری و فلسفی او نهفته است. در شعر پایداری، استعاره به‌عنوان ابزاری مؤثر برای خلق مضامین ماندگار به کار رفته و ویژگی‌های فرامگانی و فرازمانی به آن بخشیده است. در سده‌های اخیر ایران، انقلاب مشروطه را با رویکرد ملی و انقلاب اسلامی را با رویکرد دینی تجربه کرد. طبیعتاً اشتراکات و افتراقات این دو انقلاب در شعر پایداری، نمود یافته است. این پژوهش برای نخستین بار به بررسی تطبیقی کاربرد استعاره در تصویرسازی‌های شاعرانه در شعر انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی با مطالعه موردی دو شاعر برجسته دو انقلاب مذکور، فرخی یزدی و عبدالجبار کاکایی پرداخته است. این دو از شاعرانی هستند که با استفاده خلاقانه از استعاره، تصاویر شعری بدیع و تعابیر تازه‌ای در عرصه شعر پایداری به‌جا گذاشته‌اند. یافته‌های پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی بر اساس داده‌های کتابخانه‌ای با هدف بررسی کارکردهای استعاره در اشعار پایداری این دو شاعر انجام شده، نشان می‌دهد که استعاره‌ها در انواع مکنیه، مصرحه، تهکیمه، جان‌بخشی، تشخیص و منادا به کار رفته و مدلولاتی متنوع هم‌چون صلح، آزادی، پایداری، شهید، مبارزان، سرزمین و دشمن را بیان می‌کنند. این کارکردها بیانگر غنای فکری شاعران و ابتکار آنان در استفاده از ظرفیت‌های زبانی و ادبی است. این پژوهش نشان می‌دهد که چگونه استعاره‌ها به خلق مضامین پایداری کمک کرده و در تأثیرگذاری شعرها نقشی کلیدی داشته‌اند.

کلیدواژه: استعاره، شعر پایداری، فرخی یزدی، عبدالجبار کاکایی، ادب معاصر.

۱- مقدمه

ادبیات مقاومت یا پایداری به طور عام شامل هر گونه ادبیاتی است که به مقاومت مردم در هر شهر یا کشور می‌پردازد. ادبیات جنگ نیز به همین ترتیب است، اما ادبیات دفاع مقدس، خاص کشور ایران و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران است. ادبیات دفاع مقدس به مجموعه آثاری گفته می‌شود که درونمایه و موضوع آن‌ها به مسایل هشت سال جنگ و دفاع مقدس و پیامدها و تبعات آن برگردد. شعر پایداری یکی از مهم‌ترین شاخه‌های ادبیات است که همواره در پی بیان و انعکاس مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و ستم، اعم از استبداد داخلی و خارجی، بوده است. این نوع شعر از ابزارهای بلاغی متنوعی هم‌چون استعاره بهره می‌گیرد تا مفاهیم پیچیده و عمیق اجتماعی، سیاسی و ملی را به صورتی هنری و تأثیرگذار منتقل کند. بررسی تطبیقی تصاویر و تعابیر شاعرانه در شعر پایداری مشروطه و شعر پایداری انقلاب اسلامی سیر تطور و تحول شعر پایداری را در فاصله دو انقلاب نشان می‌دهد. با هدف بررسی ملموس و دقیق‌تر استعاره‌ها، از

هر دوره یک شاعر که استعاره‌های بیشتری در شعر پایداری دارد یعنی فرخی یزدی و عبدالجبار کاکایی، گزینش شدند. شاعران این دوره با استفاده از استعاره‌های گوناگون، توانسته‌اند مفاهیمی چون آزادی، پایداری، قیام، شهادت، وطن و مبارزه با دشمن را به گونه‌ای استعاری بیان کنند و در دل خوانندگان امید و انگیزه برافروزند. شعر پایداری، تصویری را که از واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی ارائه می‌کند، بیشتر از سایر انواع بلاغی هم چون مبالغه، تشبیه، کنایه و مجاز از استعاره بهره‌مند است تا پیام‌های نوی شاعرانه و انسانی را به خواننده منتقل کند.

۱-۱- بیان مسأله

استعاره و استعاره‌سازی، بارزترین نمونه واکنش در برابر حاکمیت در ادب پایداری است. «استعاره و نمادگرایی، بارزترین نمونه واکنش در برابر حاکمیت در ادب پایداری است» (زارع، ۱۰۱۵: ۹۵). شاعران پایداری از استعاره به عنوان ابزاری برای بیان رنج‌ها و مبارزات مردمی بهره می‌بردند، به ویژه هنگامی که سخن از آزادی و رهایی از ظلم به میان می‌آید. برای نمونه، صالح هواری، شاعر فلسطینی، در اشعار خود به وضوح از استعاره برای بیان شرایط دشوار و سرکوب‌شده استفاده کرده است: «چگونه شعر سرایم، درحالی که هزاران دیوار مرا در خود گرفته‌اند» (هواری، ۱۹۹۸: ۲۷) و در جایی دیگر می‌گوید: «بال‌هایم به سان دو گنجشک تشنه در قفس گرفتارند» (همان: ۸۸). این استعاره‌ها از محدودیت‌ها و زنجیرهایی که بر آزادی فردی و اجتماعی حاکم است، سخن می‌گویند. حاصل چنین فضایی آن شد که از یک سو، فرهنگی غنی از واژگان و تصاویر شفاف و گاه منحصر به فرد در قالب زبان استعاری به شعر پایداری وارد شود و از سوی دیگر، با پوشاندن معانی جدید به استعاره‌های شناخته‌شده و نیز آفرینش استعاره‌های بومی، توانایی زایش معانی جدید به شعر مقاومت فراهم گردد و امکان تفسیر و تأویل‌های مختلف از متن به خواننده داده شود. این تحقیق در نظر دارد تا با بررسی و تحلیل استعاره‌های به کار رفته در اشعار فرخی یزدی و عبدالجبار کاکایی، به درک بهتری از نحوه استفاده شاعران از ظرفیت‌های استعاری در بیان مفاهیم پایداری و مقاومت دست یابد. این پژوهش همچنین تلاش دارد تا نشان دهد چگونه استعاره‌ها در این اشعار قادرند معانی و مضامین کلیدی مانند صلح، آزادی، مبارزه و شجاعت را در قالب‌های زبانی پیچیده، اما قابل درک برای مخاطب عام، بیان کنند و به این ترتیب، ادبیات پایداری را به ابزاری مؤثر در تحریک احساسات ملی و انسانی تبدیل سازند.

۱-۲- سؤالات تحقیق

پرسش‌های اصلی که در این مقاله مطرح است عبارتند از:

- ۱- استعاره‌ها در اشعار این شاعران چگونه بر درک و احساسات خوانندگان تأثیر می‌گذارند؟
- ۲- استعاره‌ها چگونه مفاهیمی چون آزادی، قیام و وطن را به صورت نمادین منتقل می‌کنند؟

۱-۳- فرضیه تحقیق

- ۱- استعاره‌های به کار رفته در اشعار پایداری فرخی یزدی و عبدالجبار کاکایی نقش مؤثری در انتقال مفاهیم پایداری، مقاومت و مبارزه دارند و می‌توانند احساسات ملی و انسانی مخاطبان را برانگیزند و قادرند مفاهیم پایداری، مقاومت و مبارزه را به طور مؤثر به مخاطب منتقل کرده و در ایجاد احساسات ملی و انسانی تأثیرگذار باشند.
- ۲- استفاده از استعاره‌های مختلف در اشعار این شاعران موجب تولید معانی چند لایه و قابل تأویل می‌شود که امکان تفاسیر مختلف از مفاهیمی چون آزادی، قیام و وطن را برای خواننده فراهم می‌کند.

۱-۴- پیشینه تحقیق

استعاره یکی از مهم‌ترین ابزارهای بلاغی در ادبیات فارسی است که به ویژه در شعر، به کارگیری آن تأثیر زیادی در انتقال مفاهیم عمیق و پیچیده دارد. در ادب عربی، این جمله به صورت مَثَلِ سائره درآمده که: *الاستعاره ابلغ من التشبیه*. در سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی در زمینه بررسی استعاره‌ها در شعرهای مختلف از جمله شعر کودکانه، شعر عاشورایی و شعر معاصر انجام شده است. این تحقیقات نشان‌دهنده توجه گسترده به کاربرد استعاره‌ها در دوره‌های مختلف تاریخی و فرهنگی و هم چنین تأثیر آن‌ها بر فهم مفاهیم اجتماعی، فرهنگی و دینی است. در همین راستا، نجاریان و سرخی‌زاده (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان

بررسی استعاره‌ها در اشعار کودکان محمود کیانوش و سلیمان العیسی نشان می‌دهند که چگونه از استعاره‌ها برای بیان مفاهیم اجتماعی و اخلاقی به زبان ساده برای کودکان استفاده شده است. الهامی، جهان‌دیده و میر (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان استعاره‌ها در شعر عاشورایی معاصر به بررسی نقش استعاره در انتقال مفاهیم دینی و انقلابی پرداخته‌اند. آقابزرگیان معصوم‌مخانی، ایرجی و عامری (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان بررسی استعاره‌ها در شعر معاصر از منظر معنی‌شناسی شناختی نشان می‌دهند که شاعران معاصر چگونه از استعاره‌ها برای خلق مفاهیم جدید بهره می‌گیرند. نظری چروده و نصر رمزی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان تحلیل استعاره‌ها در اشعار پروین اعتصامی و محمدعلی بهمنی تفاوت‌های استعاره‌های به‌کاررفته در اشعار این دو شاعر را از نظر مفاهیم اجتماعی و انقلابی بررسی کرده‌اند. علی‌زاده آملی و حجازی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان بررسی استعاره‌های مصرحه در صد غزل طالب آملی به تحلیل تأثیر این استعاره‌ها در ایجاد معناهای عمیق‌تر و پیچیده‌تر پرداخته‌اند. با توجه به اینکه تاکنون هیچ تحقیقی به‌طور خاص و جامع در مورد شاعران انتخابی این پژوهش انجام نشده است، تحقیق حاضر می‌تواند گامی مهم در بررسی و تحلیل استعاره‌ها در آثار این شاعران محسوب شود.

۱-۵- روش تحقیق

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی به شیوه استقرایی و تحلیلی بر مبنای داده‌های کتابخانه‌ای است. در ابتدا، دیوان اشعار شاعران منتخب مورد بررسی قرار گرفته و استعاره‌های به‌کار رفته در آن‌ها شناسایی و دسته‌بندی شده‌اند. در این تحقیق، کارکرد استعاره‌ها در اشعار دو شاعر از ادب پایداری بررسی شده است. یکی از این شاعران (فرخی یزدی) در دوران انقلاب مشروطه فعالیت داشته و دیگری (عبدالجبار کاکایی) در دوره معاصر و پس از انقلاب اسلامی. هدف اصلی این مطالعه، نشان دادن تفاوت‌های موجود در استعاره‌ها در این دو دوره تاریخی است. این تفاوت‌ها می‌تواند به‌خوبی بیانگر تحولات معنایی و مفهومی در زبان و بیان شاعران باشد و بر تأثیر شرایط تاریخی و اجتماعی بر استفاده از استعاره‌ها در ادبیات پایداری در دو انقلاب اخیر ملت ایران تأکید کند.

۱-۶- اهداف و ضرورت تحقیق

هدف اصلی این پژوهش، بررسی نحوه به‌کارگیری استعاره‌ها در اشعار پایداری دو شاعر برجسته، فرخی یزدی و عبدالجبار کاکایی است. تحلیل نقش این ابزار بلاغی در انتقال مفاهیم مقاومت، آزادی، مبارزه و وطن‌دوستی ضروری به نظر می‌رسد. این تحقیق تلاش دارد تا نشان دهد چگونه استعاره‌ها می‌توانند مفاهیم پیچیده و چندلایه را در قالب‌های زبانی قابل درک برای مخاطب عام بیان کنند و به این ترتیب، ادبیات پایداری را به ابزاری مؤثر در تحریک احساسات ملی و انسانی تبدیل سازند. از آن‌جا که استعاره‌ها در شعر فارسی همواره نقش مهمی در شکل‌گیری معنا و انتقال پیام‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی داشته‌اند، بررسی آن‌ها در بستر ادبیات پایداری می‌تواند به درک عمیق‌تری از نحوه بازنمایی مفاهیم مقاومت و آزادی در شعر کمک کند. هم‌چنین، با توجه به تفاوت‌های تاریخی و اجتماعی میان دوران مشروطه و دوره پس از انقلاب اسلامی، تحلیل تطبیقی استعاره‌ها در اشعار این دو شاعر می‌تواند نشان‌دهنده تحول زبان و بیان در ادبیات پایداری باشد. ضرورت این تحقیق از آن‌جا ناشی می‌شود که تاکنون پژوهشی جامع و تطبیقی در خصوص استعاره‌های به‌کاررفته در اشعار فرخی یزدی و عبدالجبار کاکایی انجام نشده است. این مطالعه می‌تواند خلأ موجود در حوزه تحلیل بلاغی شعر پایداری را پر کرده و زمینه‌ساز پژوهش‌های گسترده‌تر در حوزه معناشناسی و سبک‌شناسی ادبیات مقاومت باشد.

۲- مباحث نظری

۲-۱- مفهوم استعاره

در تعریف استعاره می‌توان گفت: «استعاره اساسی‌ترین و مهمترین رکن علم بیان است که ارزش ادبی و هنری آن بر کسی پوشیده نیست. برخلاف تشبیه که در کنار توصیف و در قالب آن، در نثر و حتی در کلام عادی نیز رایج است؛ آنچه که بیشتر به شعر و یا دسته کم کلام غیرعادی اختصاص دارد، استعاره است و این اختلاف ناشی از تفاوت تشبیه و استعاره، یعنی استعمال در معنای حقیقی (موضوع) و غیر حقیقی (مجاز) است؛ بدین شکل که در تشبیه لفظ در معنای موضوع له به کار می‌رود، اما در استعاره لفظ در معنای مجازی استعمال می‌شود» (زرین کوب، ۱۳۸۸: ۶۹-۶۶). هم‌چنین می‌توان اضافه نمود: «استعاره بزرگترین کشف هنرمند و عالی‌ترین امکانات در حیطه زبان هنری است و دیگر پیش‌تر نمی‌توان رفت. استعاره کارآمدترین ابزار تخیل و به اصطلاح ابزار نقاشی کلام است» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۴۲). و می‌توان گفت استعاره همان تشبیه است که مشبه یا مشبه‌به آن حذف شده باشد و گاهی وقت‌ها وجه شبه هم حذف شده است

برای مثال، «گریه ابر بهاری» استعاره است که زیرساخت آن این جمله است: «ابر بهار مانند انسان می‌گردد»؛ از این زیرساخت مشبّه حذف شده و تنها مشبه و ویژگی پایه محذوف باقی مانده است. مانند موارد زیر:

سینه احرار شد آماج تیر ارتجاع تا نمودی زینت بازو کمان فتنه را (فرخی، ۱۳۶۳: ۸۳)
پیر کشیدی به تماشای بهشت پنجره‌ای که بسته بود (کاکایی، ۱۳۹۳: ۱۷۹)

فرخی یزدی سینه احرار، را در این بیت استعاره از دل، جان و آرمان‌های آزادی‌خواهان به کار برده است. شاعر در ذم و هجو دشمنان این چنین سخن بر زبان می‌آورد و تیر ارتجاع را که نماد خشونت و عجز آنان است استعاره‌ای از حملات دشمن فتنه‌گرایان کرده است. این ترکیب، آزادی‌خواهان را چون سپر انسانی در برابر تیرهای ظلم و استبداد نشان می‌دهد؛ «تیر» نماد خشونت و «ارتجاع» نماد دشمن آزادی است. و همچنین از واژه‌های زینت باز و کمان فتنه استعاره‌ای از جلوه‌گری قدرت و خشونت دشمنان و فریب‌کاری آنان به تصویر کشیده است. این تصویر نشان می‌دهد که فتنه‌گران با ظاهر آراسته و نمادهای قدرت، در پی اغوا و سرکوب آزادی‌اند.

آهسته از غبار گذشتند باران برد بار گذشتند (کاکایی، ۱۳۸۸: ۷۰)

شاعر باران برد بار را استعاره از رزمندگان اسلام به کار برده است که با صبر و آرامش از میان سختی‌ها گذشتند بی آنکه فریاد بزنند یا ادعا کنند.

۲-۲- تاریخ استعاره

از مهم‌ترین موضوعاتی که برای اولین بار مورد توجه علم بیان و عالمان آن قرار گرفت بحث از مجاز بود. از کهن‌ترین کتاب‌ها در این زمینه کتاب مجاز القرآن ابوعبیده معمر ابن مثنی‌واضع علم بیان است. (دادبه و فرزانه؛ ۱۳۶۷: ۲۴۵) پس از وی جاحظ در کتاب البیان و التبيين به مسئله استعاره اشاره کرده است. (همان: ۲۴۶) پس از جاحظ، ابن وهب در کتاب البرهان به بررسی کتاب وی پرداخت و برخی ویژگی‌های عبارت همچون استعاره را مورد نقادی و تشریح قرار داد. در قرن دهم میلادی، مصادف با قرن چهارم هـ ق، با تکامل علم بیان و ظاهرشدن آثار ارزشمندی در این زمینه، استعاره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل علم بیان مورد توجه بیشتر واقع شد (همان: ۲۴۷). سکاکی در قرن هفتم هجری و با تأثر از فخرالدین رازی، علم بیان را نه از جهت زیبایی‌شناختی، بلکه از جهت منطق، مورد بررسی قرار داد. اثر سکاکی در علم بیان و استعاره را می‌توان صورت نهایی علم بلاغت دانست (همان: ۲۴۸). بسیاری بر اساس گفته ارسطو، استعاره را همان تشبیه می‌دانستند که ادات آن حذف شده است و این تعریف را ادیبان غربی هم مورد استفاده قرار داده‌اند. نویسندگان دوره اسلامی، با تقسیم تشبیه به تشبیه تام و محذوف، استعاره را همان تشبیه محذوف دانسته‌اند که فقط مشبّه به در آن ذکر می‌شود. بعضی دیگر از عالمان علوم بلاغت، بر این اساس که دلالت استعاره عقلی است، آن را از انواع مجاز به حساب آورده‌اند. قدیمی‌ترین تعریف استعاره به مفهوم رایج را جاحظ بیان کرده است، که در کتاب البیان و التبيين آورده است که: «استعاره نامیدن چیزی است به نامی جز نام اصلی‌اش، هنگامی که جای آن چیز را گرفته باشد» (شفیعی کدکنی؛ ۱۳۵۰: ۷۶). سکاکی استعاره را مجازی می‌داند که مناسبت و پیوستگی میان معنای اصلی و غیر اصلی در آن از جهت مشابّهت است؛ لذا استعاره نوعی مجاز لغوی بر مبنای تشبیه است که در آن یکی از دو طرف تشبیه (مشبه یا مشبّه به)، ادات تشبیه و وجه شبه حذف شده است (همایی؛ ۱۳۷۲: ۴۸). برای مثال، وقتی می‌گوییم «دریایی را دیدم که سخنرانی می‌کرد»، در اینجا واژه دریا در معنای اصلی خود به کار نرفته است بلکه علاقه مشابّهت، گستردگی دانش سخنران و پهنای دریاست و قرینه نیز واژه «سخنرانی کردن» است.

۲-۳- تقسیم‌بندی‌های استعاره در علم بیان

تقسیم‌بندی از لحاظ وجود لفظ مستعار:

استعاره‌ها از اجزای مختلفی تشکیل شده‌اند. یکی از اجزای استعاره لفظ مستعار است. که به دو نوع اصلی و اصلیه و تبعی و تبعیه تقسیم می‌شود. «هرگاه لفظ مستعار اسمی باشد ذاتا جامد مانند ماه و قتی که برای زیبا استعاره شده باشد یا اسمی جامد برای معنی باشد مانند قتل برای زدن سخت استعاره شده باشد در این صورت استعاره را اصلیه نامند و هرگاه لفظ مستعار فعل یا اسم، فعل یا اسم مشتق یا اسم مبهم یا حرف باشد استعاره تبعیه است» (هاشمی، ۱۳۷۷: ۱۲۵-۱۲۳).

استعاره مصرّحه

همان گونه که می‌دانید: «به کار بردن واژه‌ای به جای واژه‌ای دیگر به علاقه مشابهت، یا تشبیهی که از آن فقط مشبّه‌به، به جا مانده باشد، مانند شیر که استعاره از فرد شجاع است، به این استعاره، استعاره مصرّحه یا محققه یا تحقیقه می‌گویند» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۵۰). برای نمونه:

مرید آن آفتاب سرخم که با عبور از میان آتش
به غیر خاکستر وجودش نشانه ای جا نمی‌گذارد (کاکایی، ۱۳۸۸: ۷۲)

در این بیت کاکایی از طریق استعاره مصرّحه، تصویری زیبا از رزمندگان و شهدای جان بر کف خلق نموده است.

نشانه یا قرینه‌ای که به معنای حقیقی اشاره کند. این یعنی مشبّه (شهید) حذف شده و فقط مشبّه‌به (آفتاب سرخ) آمده است شاعر به جای گفتن «شهید» یا «رزمنده»، مستقیماً از «آفتاب سرخ» استفاده کرده است؛ بدون هیچ که ویژگی اصلی استعاره مصرّحه است.

یک دسته منفعت‌جو با مشتی اهرمن خو
با هم قـــرار دادند بر بی‌قراری ما (فرخی یزدی، ۱۳۶۳: ۷۸)

شاعر با استفاده از ترکیب اهرمن‌خو استعاره‌ای مصرّحه به وجود آورده است و با قدرت چهره دشمنان ملت را ترسیم می‌کند که با خوی شیطانی در پی آشوب هستند. فرخی یزدی، در این بیت با زبانی تند، استعاری و افشاگرانه، خیانت‌کاران و دشمنان ملت را توصیف می‌کند. و «اهرمن‌خو» مستقیماً به جای «خائن» یا «دشمنان ملت» آمده است، بدون آن‌که شاعر بگوید «مثل اهرمن‌اند» یا «اهرمن‌خو هستند». این جایگزینی کامل، ویژگی اصلی استعاره مصرّحه است.

استعاره مکنیه

استعاره بالکنایه یا استعاره مکنیه آن است که تشبیه در دل گوینده مستور و مضمّن باشد و مشبه را ذکر کرده، مشبه به را در لفظ نیاورند، اما از لوازم مشبه‌به قرینه‌ای در لفظ نیاورند که دلیل بر مشبه‌به باشد (همای، ۱۳۷۰: ۲۵۳).

«از قوام و بستگانش دیپلم باید گرفت
در خیانت داد هرکس امتحان فتنه را» (فرخی، ۱۳۶۳: ۸۳)

شاعر با استفاده از استعاره مکنیه خیانت سیاسی را در قالب آموزش به تصویر کشیده است: قوام و اطرافیانش را مانند معلمان و فتنه را مانند درسی بیان کرده است، که خائن در آن آزمون می‌دهند. خیانت‌کاران را به دانش‌آموزانی تشبیه کرده که از مکتب قوام السلطنه «دیپلم خیانت» گرفته‌اند. اما مستقیماً نام «دانش‌آموز» را بیان نمی‌کند، فقط ویژگی «دیپلم گرفتن» را به او نسبت می‌دهد. مشبه: فتنه‌گران و خائن/ مشبه‌به (حذف‌شده): داوطلب آزمون یا دانش‌آموز/ ویژگی نسبت‌داده‌شده: «امتحان دادن» ← صفتی مخصوص انسان‌های در حال آموزش.

استعاره مکنیه تخیلیه

تشخیص همان استعاره مکنیه تخیلیه می‌باشد که مشبه به ذکر نشده در آن غالباً انسان است و می‌توان به آن استعاره انسان مدار یا جاندارپنداری نیز گفت (شمیسا، ۱۳۸۵: ۶۴).

در سایه استبداد پژمرده شد آزادی
این گلبن نارس را بی‌ریشه نباید کرد (فرخی، ۱۳۶۳: ۱۳۱)

فرخی یزدی، شاعر مبارز و آزادی‌خواه، با زبانی استعاری و پرطنین، وضعیت آزادی در دوران استبداد را به تصویر می‌کشد. آزادی را به طور ضمنی به گل یا گیاهی تشبیه کرده که در سایه استبداد پژمرده شده است، اما نام گل را نمی‌برد؛ فقط ویژگی آن (پژمرده شدن) را ذکر می‌کند. این جان‌بخشی به مفهوم انتزاعی، بدون ذکر مشبّه‌به، استعاره مکنیه تخیلیه است. شاعر «گلبن نارس» را استعاره‌ای از آزادی نوپا و جوان دانسته است که تازه روییده و هنوز ریشه دار نشده است.

۴-۲- بررسی زیبایی‌شناختی استعاره

اهمیت استعاره در شعر به گونه‌ای بوده است که ابن خلدون شعر را کلامی مبتنی بر استعاره و اوصاف می‌داند، و در دورانی، اندیشمندان اروپایی، زبان را صرفاً خیال و استعاره می‌دانستند و سخنوران اروپایی استعاره را «ملکه تشبیهات مجازی» خوانده‌اند (دادبه و فرزانه؛ ۱۳۶۷: ۲۴۹).

قدیمی ترین بررسی در رابطه با رمز زیبایی استعاره را ارسطو انجام داده که دلیل این زیبایی را ابهام و پیچیدگی حاصل از آن دانسته است، و بر اساس همین سخن، اندیشمندان اسلامی به تشریح دلایل زیبایی استعاره در دوران خود پرداخته اند.

۳- بحث و بررسی

۳-۱- استعاره در شعر پایداری

استعاره پایداری نوعی تصویرسازی شاعرانه است که در آن مفاهیم مقاومت، ایستادگی، آزادی، وطن دوستی، شهادت و مبارزه با ظلم، به جای بیان مستقیم، در قالب نمادها و تصاویر غیرمستقیم و هنری بیان می شوند. این استعاره ها نه تنها زیبایی زبانی دارند، بلکه بار معنایی عمیق و چندلایه ای را منتقل می کنند. در شعر پایداری، استعاره ابزاری است برای فریاد بی صدا؛ یعنی شاعر با استفاده از نمادهایی چون «مار»، «کفتار»، «نیلوفر»، «آفتاب سرخ»، «دار»، «قفس»، «بال»، «خاکستر» و... مفاهیمی را بیان می کند که گاه به دلایل سیاسی یا اجتماعی نمی توان آن ها را به صراحت گفت. استعاره ها مفاهیمی چون آزادی، ظلم، وطن، شهید، دشمن و مبارزه را در قالبی شاعرانه و قابل تأویل بیان می کنند. شاعر با استفاده از استعاره های پایداری به تحریک عواطف می پردازد و همدلی و اتحاد و انگیزه مقاومت را در مخاطب زنده می کنند. نمونه هایی از استعاره پایداری

- «مارهای مجلسی» → نمایندگان خائن

- «نیلوفران باغ» → نوجوانان رزمنده

- «آفتاب سرخ» → شهید یا قهرمان

- «بال های تشنه در قفس» → آزادی های سرکوب شده

- «دار» → مجازات خیانت کاران

۳-۲- مجلس و نمایندگان مجلس

استعاره از ابزارهای مهمی است که در شعر پایداری به شاعر امکان می دهد بدون بیان صریح، تصویری ذهنی و چندلایه از وضعیت سیاسی ارائه کند. در بسیاری از اشعار شاعران پایداری، مجلس و نمایندگان آن با استعاره هایی توصیف شده اند که بازتاب دهنده فساد، خیانت و تقابل میان ملت و حاکمان است. در ادامه به بررسی استعاره های به کار رفته توسط شاعران مطرح در پژوهش پرداخته خواهد شد. در دوره مشروطه نمایندگان مجلس بیشترین سهم را خیانت به آرمان های ملت داشتند. بی جهت نیست که نوک پیکان حمله شاعران متوجه آنان شده است:

باز گویم این سخن را گر چه گفتم بارها می نهند این خائنین بر دوش ملت بارها (فرخی یزدی، ۱۳۶۳: ۸۴)

استعاره مصرحه: منظور از خائنین، نمایندگان مردم است.

مارهای مجلسی دارای زهری مهلکند الحذر باری از آن مجلس که دارد مارها (همان: ۹۹)

استعاره مصرحه: مارهای مجلسی یعنی نمایندگان مجلس.

در این بیت، «مارهای مجلسی» به عنوان استعاره مصرحه برای نمایندگان مجلس به کار رفته و آن ها را سمی و تهدیدآمیز معرفی کرده است. این تصویر استعاری، ضمن تقویت بار انتقادی شعر، مخاطب را نسبت به عملکرد و تأثیر منفی آن ها در جامعه آگاه می سازد:

دفع این گفتارها گفتار نتواند نمود از ره کردار باید دفع این گفتارها (همان: ۹۹)

کفتار: استعاره مصرحه از نمایندگان مجلس

شاعر در این قسمت برای توصیف نمایندگان مجلس، از واژه کفتار استفاده کرده و معتقد است برای دفع آن ها، تنها کفتار کافی نیست، بلکه اقدام و عمل کارساز خواهد بود. این امر نشان دهنده ماهیت انقلابی شعر پایداری است که تلاش می کند اعتراضات مردمی را از سطح بیان نارضایتی فراتر برده و به کنش اجتماعی و سیاسی تبدیل کند.

ای خموشان در کمین! مارهای آستین! جان نیلوفران باغ، دور باد از گزندتان (کاکایی، ۱۳۸۶: ۱۴۴)

مار استعاره مصرحه از دشمن داخلی، و نیلوفرهای باغ استعاره مصرحه از نوجوانان و رزمندگانی است که همانند نیلوفر بالنده و ترد و شکننده هستند.

پول تصویری مجلس نبذ ار ماه به ماه گرد آن کهنه حریف این همه کلاش نبود (فرخی، ۱۳۶۳: ۱۳۴)

استعاره مصرحه: کهنه حریف استعاره از قوام السلطنه و کلاش استعاره از نمایندگان مجلس.

از برای این همه خائن بود یک دار کم پر کنید این پهن میدان را ز چوب دارها (همان: ۹۹)

استعاره مصرحه: پهن میدان از پهنه مملکت.

۳-۳- میهن

میهن دوستی یکی از پرکاربردترین درون مایه های شعر پایداری است، چرا که شاعر میهن را فراتر از یک سرزمین جغرافیایی می بیند و آن را مظهر هویت، فرهنگ، آزادی و شرف انسانی می داند. خاک وطن، جایی که خون شهیدان آن را تقدیس کرده است، در شعر پایداری به عنوان حرم و معبد مقدس تصویر می شود و یادآور پیوندی عاطفی و معنوی میان انسان و سرزمینش است. شهیدان در اشعار پایداری نه فقط قهرمانان بلکه نگهبانان وطن اند، کسانی که با ایثار و جان فشانی خود دیوارهای عزت و سربلندی را بنا نهاده اند. شاعر وطن را گاه به شکل مادر یا معشوقی تصویر می کند تا عشق به سرزمین را با احساسات عمیق انسانی پیوند دهد و نشان دهد که وفاداری به وطن، بخشی از روح و جان آدمی است. در کنار این، رنج ها و ستم هایی که وطن از بیگانگان و ظلم های تاریخ متحمل شده، در شعر پایداری بازتاب می یابد و مقاومت و ایستادگی مردم در برابر این سختی ها برجسته می شود. در نهایت، امید به آینده روشن میهن و آرمان آزادی و عدالت، هم چون شعله ای جاودانه در دل شعر جریان دارد و میهن دوستی را از یک احساس ساده به حماسه ای عاطفی و معنوی تبدیل می کند، حماسه ای که خواننده را به وفاداری، فداکاری و عشق به وطن فرا می خواند.

وطن پناه ما باش، درین غبار مسموم در این هوایی که از نو گرفته ایم جانی (کاکایی، ۱۳۹۵: ۱۶۶)

غبار مسموم استعاره است از ظلم ستم هایی که به مردم ایران شده است. و در این هوای مسموم به عشق تو جانی دوباره گرفته ایم و نیازمند پناه تو هستیم.

شد دوره تساوی و در این دیار شوم فرق است در میانه شاه و گدا هنوز (فرخی، ۱۳۶۳: ۱۵۰)

استعاره مصرحه: دیار شوم یعنی ایران

نه گوشی است ما را که سازیم اصغا ز نای وطن صوت ان یرحمونی (همان: ۱۹۴)

انسان نمایی (استعاره مکنیه): نای وطن. در قالب اضافه استعاره.

باید از اول بشوید دست از حق حیات در محیط مردگان هرکس اقامت می کند (همان: ۱۳۴)

استعاره مصرحه: محیط مردگان استعاره از سرزمین ظالمان و مردمی که به ظلم عادت کرده اند.

هر قطره شود بحری و آید به تلاطم این خون شهیدان که به نزهتگاه چین ریخت (همان: ۹۹)

نزهتگاه چین استعاره مصرحه از آبادانی برای ستمگران است.

چون کوهکن به تمکین بسپار جان شیرین وزخون خویش رنگین دامان بیستون کن (همان: ۱۷۴)

بیستون: استعاره مصرحه از کشور. دامان بیستون: اضافه استعاری.

بود اگر جامعه بیدار در این دار خراب جای سردار سپه جز به سر دار نبود (فرخی، ۱۳۶۳: ۹۹)

دار خراب: استعاره از ایران.

بررسی استعاره‌های مرتبط با وطن در شعر پایداری نشان می‌دهد که شاعران از این ابزار زبانی برای بیان ظلم، خیانت و استبداد حاکم بر سرزمین استفاده کرده‌اند. استعاره‌هایی که وطن را سرزمینی تحت سلطه، در معرض ویرانی، یا عرصه مبارزه معرفی می‌کنند، همگی در تقویت گفتمان مقاومت و پایداری قرار دارند. به بیان دیگر، این استعاره‌ها نه تنها ابزاری برای زیبایی‌شناسی شعر، بلکه ابزاری برای افشاگری، تهییج عمومی و دعوت به مبارزه به کار رفته‌اند.

۳-۴- آزادی و آزادی

در شعر شاعران مشروطه، به ویژه فرخی یزدی، آزادی سیاسی به معنای حق مردم برای داشتن حکومت عادلانه، قانون اساسی و زندگی بدون ظلم مطرح می‌شود. این شاعران با انتقاد از شاهان و حکام فاسد و ستمگر، مردم را نسبت به ظلم و فساد آگاه می‌کنند و آن‌ها را به ایستادگی و مبارزه برای عدالت و آزادی دعوت می‌نمایند. در شعر فرخی، آزادی همواره با شجاعت و مقاومت در برابر ظلم پیوند خورده است و بدون ایستادگی امکان‌پذیر نیست. شاعران مشروطه برای بیان این مفاهیم از استعاره‌ها و نمادهایی مانند پرند در قفس برای نشان دادن مردم تحت ظلم و خورشید عدالت برای نشان دادن آینده روشن و حکومت عادلانه استفاده می‌کنند. به طور کلی، شعر فرخی یزدی و شاعران مشروطه با ترکیب انتقاد اجتماعی و سیاسی، هدف اصلی خود را آگاه کردن جامعه و دفاع از حقوق مردم قرار داده‌اند و پیام آزادی سیاسی و ارزش آزادی را به صورت روشن منتقل می‌کنند.

آزادی، آزادی و تعاریف و تعبیر آن همزمان با انقلاب مشروطه وارد شعر فارسی شد. شاعران با الهام انقلاب‌های کشورهای غربی با این مضامین آشنا شدند.

در گلستان جهان یک گل به آزادی نرسد همچو من سرو چمن همراستی آزاد نیست (همان: ۹۹)

استعاره مصرحه: گل استعاره از انسان آزاده و اصیل است.

در سایه استبداد پژمرده شد آزادی این گلبن نارس را بی‌ریشه نباید کرد (همان: ۱۴۱)

اضافه استعاری: سایه استبداد. استعاره مکنیه در پژمرده شد آزادی.

در اینجا «گلبن نخواست» به آزادی تازه شکل گرفته اشاره دارد که هنوز ریشه ندارد و تاویر نشده و نیاز به مراقبت دارد.

آزادی اگر می‌طلبی غرقه به خون باش کاین گلبن نخواست بی‌خار و خسی نیست (همان: ۹۸)

گلبن نخواست استعاره مصرحه از آزادی است زیرا نهال آزادی در ایران نوباست به همین خاطر به گلبن نخواست تشبیه شده است. خار و خس استعاره مصرحه از افراد بی‌سر و پا و سوء استفاده‌کننده جامعه هستند.

استعاره‌هایی که برای آزادی به کار رفته‌اند، بیشتر به نوبا بودن آن اشاره می‌کنند؛ زیرا مردم به تازگی با این حق از حقوق مسلم خویش آشنا شده‌اند. شاعران هدفشان این است که مخاطب را به حفظ و تداوم آزادی ترغیب کنند. این استعاره‌ها جنبه‌های انگیزشی دارند و دعوتی به تلاش برای پایداری آزادی هستند.

۳-۵- استعاره از شاعران در بند

یا اسیران قفس را نیست کس فریادرس یا مرا از ناامیدی حالت فریاد نیست (همان: ۹۹)

استعاره مصرحه: اسیران قفس استعاره از خود شاعر. استعاره قفس از زندان (استعاره مصرحه).

در این بیت، «اسیران قفس» استعاره از خود شاعر و دیگر زندانیان سیاسی است. «قفس» تصویری از زندان، محدودیت و سرکوب سیاسی را تداعی می‌کند. در واقع، این استعاره حس بی‌پناهی، تنهایی و ناامیدی را نشان می‌دهد، جایی که صدای اعتراض به جایی نمی‌رسد.

روزگار او را نسازد پست همچون فرخی هر که با طبع بلند و همت مردانه بود (همان: ۱۲۷)

جان بخشی: روزگار او را پست نمی سازد.

در این بیت، «روزگار» به مثابه‌ی نیرویی زنده و فعال توصیف شده است که بر سرنوشت افراد اثر می‌گذارد. این نوع استفاده از زبان، جان بخشی (تشخیص) است، چرا که شاعر ویژگی انسانی به «روزگار» داده است. اما نکته مهم‌تر این است که شاعر معتقد است با وجود سختی‌ها و مشکلات بسیار، نباید در برابر ظلم تسلیم شد. شاعران پایداری خود در صف اول مبارزان انقلاب قرار داشته‌اند لذا نگاه آنان روحیه مقاومت و مبارزه در برابر استبداد را تقویت می‌کند.

۳-۶- منفعت طلبان

روز و شب آباد شد بغداد جمعی کاسه‌لیس همچو اهل کوفه از شام قوام‌السلطنه (همان: ۱۲۷)

استعاره مصرحه: کاسه‌لیس یعنی افراد پست. بغداد: استعاره از شهر آباد و دارای نعمت.

مالک غریق نعمت جاه و جلال و قدر زارع اسیر زحمت و رنج و بلا هنوز (همان: ۱۵۰)

استعاره مصرحه: مالک و زارع استعاره از ثروتمندان و قشر زحمت‌کش جامعه

بود یک چندی به پیشانیش اگر داغ وطن شد عیان کان داغ بهر گرمی بازار بود (همان: ۱۲۲)

اضافه استعاری: داغ وطن. فرخی یزدی در این بیت، ریاکاری و فرصت‌طلبی سیاسی را به چالش می‌کشد و با استفاده از استعاره‌های «داغ وطن» و «گرمی بازار»، نشان می‌دهد که برخی افراد، از احساسات ملی به‌عنوان ابزاری برای کسب قدرت و ثروت استفاده می‌کنند.

۳-۷- خائنین

دوخت تشریف خیانت گویا خیاط صنع از برای زیب اندام قوام السلطنه (همان: ۱۲۷)

استعاره تهکمی: تشریف خیانت. خیانت را به لباسی تشبیه کرده که آن را قوام السلطنه پوشیده است.

یارب ز چیست بر سر فقر و غنا هنوز گیتی به خون خویش زند دست و پا هنوز (همان: ۱۵۰)

انسان نمایی (استعاره مکنیه): گیتی

شاعران پایداری با استفاده از استعاره، خیانت حاکمان و وضعیت نابسامان جامعه را به تصویر می‌کشند. در این اشعار، خیانت به لباسی تشبیه شده است که حاکمان فاسد بر تن دارند و جهان مانند موجودی در حال تقلا، از ستم و بی‌عدالتی به ستوه آمده است.

۳-۸- حاکمان ظالم

با آنکه گشت قبطی گیتی غریق نیل در مصر ما فراغنه فرمانروا هنوز (همان: ۱۵۰)

استعاره مصرحه: قبطی گیتی منظور محمدعلی شاه است. مصر استعاره مصرحه از میهن - فراغنه استعاره مصرحه از حاکمان.

عید جم شد ای فریدون‌خوا! بت ایران‌پرست مستبدی خوی ضحاک است این خوئه ز دست (همان: ۱۸۶)

فرخی یزدی این شعر را زمانی سرود که ضیغم‌الدوله قشقایی حاکم یزد بود. همین شعر سبب دوختن دهان شاعر شد.

استعاره مکنیه: بت ایران زمین یعنی ضیغم الدوله.

با جامه مُستَحَفِظ در قافله دزدانند این راهزنان را طرد، از قافله باید کرد (همان: ۱۱۹)

استعاره مصرحه: راهزنان یعنی حاکمان زورگو

کشور جم سر به سر پامال شد از دست رفت پور سیروس ای خدا تا کی تحمل می‌کند؟ (همان: ۱۲۹)

استعاره تهکمی: اگر تو فرزند کوروش هستی... یعنی نیستی.

اهریمن استبداد، آزادی ما را کشت نه صبر و سکون جایز، نه حوصله باید کرد (همان: ۱۱۹)

تشخیص: آزادی را کشت. شاعران مذکور، با بهره‌گیری از تصاویر استعاری، حکام ستمگر را به عنوان موجوداتی سرکوبگر و فریبکار به تصویر می‌کشند که در نهایت در برابر اراده‌ی مردم سرنگون خواهند شد. در این میان، استعاره‌هایی چون «فراعنه»، «ضحاک»، «راهزنان» و «اهریمن» همگی به حاکمان ظالم اشاره دارند که با بی‌عدالتی و استبداد، حقوق ملت را پایمال کرده‌اند.

۹-۳- آمادگی و مقابله با ظلم و ستم

تا که استبداد سر در پای آزادی نهد دست خود بر قبضه شمشیر می‌باید گرفت (همان: ۱۲۹)

جان بخشی: استبداد سر در پای می‌نهد.

بهر آزادی هر آن کس استقامت می‌کند چاره این ارتجاع پر وخامت می‌کند (همان: ۱۳۴)

استعاره مصرحه: ارتجاع پر وخامت یعنی قانون ظلم حاکمان

آهسته از غبار گذشتند یاران بردبار گذشتند (کاکایی، ۱۳۸۸: ۷۰)

یاران بردبار استعاره مصرحه است از رزمندگان که با بردباری و شکیبایی همه سختی‌ها را پشت سر گذاشتند.

خامه تقدیر، نام اکثریت را نوشت طایران بسته در دام قوام السلطنه (فرخی یزدی، ۱۳۶۳: ۱۲۷)

استعاره مصرحه: طایران بسته یعنی آزاد مردان. در ابیات مذکور، استبداد به عنوان موجودی سرکوبگر و حيله‌گر ترسیم می‌شود که در نهایت در برابر مردم تسلیم خواهد شد. در مقابل، مبارزان و آزادی‌خواهان با استعاره‌هایی مانند شیر، پرندگان در بند، یاران استوار و کاوه به تصویر کشیده می‌شوند که نشان‌دهنده شجاعت، پایداری و روحیه قهرمانانه آن‌هاست. هم‌چنین تصاویری چون پرواز، بال و پر، و هوای عاشقی، مبارزان را به عنوان پرندگانی آزاد و رها به تصویر می‌کشد که با آگاهی و از خودگذشتگی، مسیر شهادت را انتخاب می‌کنند.

۱۰-۳- مردم

جشن و ماتم پیش ما باشد یکی، چون بزه را روزگار جشن و ماتم هر دو قربانی کنند (همان: ۱۱۸)

استعاره مصرحه: ما گوسفند (بزه) هستیم که در عزا و عروسی قربانی می‌شوند.

وکالت چون وزارت شد ردیف نام اشرافی چه خوب آموختند این قوم، علم خرسواری را (همان: ۸۲)

استعاره مصرحه: خر یعنی مردم. استعاره تهکمی: خرسواری

فرخی یزدی با استفاده از استعاره‌های مصرحه، انتقادی تند و صریح از وضعیت مردم و جایگاه آنها در ساختار سیاسی و اجتماعی ارائه می‌دهد. در بیت نخست، مردم به «بره» تشبیه شده‌اند که در هر شرایطی، چه در جشن و چه در ماتم، قربانی می‌شوند. این استعاره، نشان‌دهنده ضعف توده‌های مردم در برابر حاکمان و صاحبان قدرت است. در بیت دوم، او مردم عامی را به «خر» تشبیه کرده است که بار حاکمان را بر دوش می‌کشند، چرا که سیاستمداران و صاحبان قدرت، «علم خرسواری» را به خوبی فراگرفته‌اند. این استعاره، بیانگر فریبکاری سیاستمداران و سوء استفاده از ناآگاهی مردم است. کاربرد این استعاره‌ها، علاوه بر آنکه انتقادی تند و گزنده نسبت به عملکرد مردم در برابر حاکمیت است، نقش برانگیزاننده نیز دارد و مخاطب را به حرکت و تغییر فرا می‌خواند.

۱۱-۳ - غفلت مردم

با چنین نعمت که می‌بیند این مردم رواست شکرها تقدیم دربار بریتانی کنند (همان: ۱۱۸)

استعاره تهکمی: مردم را مورد سرزنش قرار می‌دهد. (به جای خدا باید شاکر دربار بریتانیا باشند)

پیکر عریان دهقان را در ایران یاد نارد آنکه در پاریس بوسد روی سیمین پیکران را (همان: ۸۴)

استعاره مصرحه: سیمین پیکران استعاره از معشوقه‌ها.

از صخره‌های ساحل خاموش چون موج انفجار گذشتند (همان: ۷۰)

ساحل خاموش استعاره مصرحه از مردم بی تفاوت به جنگ و درگیر روزمرگی.

ای درختان بی‌ثمر! چون تان باد و چندتان باد را تکه تکه کرد، شاخه‌های بلندتان (کاکایی، ۱۳۸۶: ۱۸)

جان بخشی: درختان بی‌ثمر استعاره مکنیه از افرادی است که نه تنها وجودشان سودی به حال مملکت ندارد بلکه زیان‌آور هم هست.

در این ابیات، شاعر با بهره‌گیری از استعاره‌های گزنده و انتقادی، جامعه‌ای را به تصویر می‌کشد که در برابر ظلم و سختی‌ها بی تفاوت مانده است. استفاده از استعاره تهکمی در بیت نخست، طنزی تلخ را در خود دارد. گویی مردم به جای شکرگزاری از خدا، باید از استعمارگران سپاسگزار باشند، که این خود کنایه‌ای از انفعال آنان است. از سوی دیگر، استعاره مصرحه در «ساحل خاموش» نمادی از کسانی است که در بحبوحه‌ای جنگ و بحران‌ها، سکوت کرده‌اند و فقط نظاره‌گرند. تصویر درختان بی‌ثمر نیز در قالب استعاره مکنیه، کسانی را نشان می‌دهد که تنها فایده‌ای برای جامعه ندارند، بلکه مانعی بر سر راه پیشرفت‌اند. این استعاره‌ها، علاوه بر برجسته کردن بی تفاوتی، مخاطب را به تأمل و پرسشگری دعوت می‌کنند: آیا زمان آن نرسیده است که جامعه از خواب غفلت برخیزد؟

۱۲-۳ - گله و شکایت از روزگار

هر خاک مصیبت که فلک داشت از این غم یک جا به سر فرّخی خاک نشین ریخت (همان: ۹۹)

اضافه استعاری: خاک مصیبت.

ساقه زرد غمی در دل من ریشه کرده است تناور شده است

چند روزی است که از غربت باغ علف هرزه صنوبر شده است

روزگاری است که از وهم نقاب دل آینه مکدر شده است (کاکایی، ۱۳۸۶: ۷۴)

با استفاده از زبان استعاره مکنیه می‌گوید که مانند درختی تناور، ریشه دارد. غربت باغ: آرایه تشخیص

آینه رمز و نماد دل پاک است. در اینجا تعبیر دل آینه را به کار برده یعنی اصل آینه. آینه تشخیص دارد. در این ابیات، استعاره‌ها و آرایه‌های ادبی مانند «خاک مصیبت»، «غربت باغ»، «دل آینه» و «ساقه زرد غم» به شکل هنرمندانه‌ای به کار رفته‌اند تا احساسات شاعر را منتقل کنند. استفاده از استعاره‌های مکنیه، مانند

«ساقه زرد غم» که در دل شاعر ریشه دوانده، و اضافه‌های استعاری مانند «خاک مصیبت»، نشان‌دهنده شدت رنج و اندوه شاعر است. همچنین، تشخیص در عباراتی چون «دل آینه مکدر شده است» یا «غربت باغ» سبب جان‌بخشی به مفاهیم انتزاعی و ایجاد ارتباط عاطفی قوی‌تر با مخاطب می‌شود. این عناصر ادبی نه تنها جنبه زیبایی‌شناختی شعر را تقویت کرده، بلکه حس غربت و مبارزه را نیز به زیبایی به تصویر کشیده‌اند.

۱۳-۳- دشمنان

اهریمن استبداد، آزادی ما را کشت نه صبر و سکون جایز، نه حوصله باید کرد (همان: ۱۱۹)

تشخیص: آزادی را کشت.

ای دوده طهمورث! دل یکدله باید کرد یک سلسله دیوان را در سلسله باید کرد (فرخی یزدی، ۱۳۶۳: ۱۱۹)

استعاره مصرحه: دیوان یعنی دشمنان.

یک دسته منفعت‌جو با مشتی اهرمن‌خو با هم قرار دادند بر بی‌قراری ما (همان: ۷۸)

استعاره مصرحه: اهرمن خو یعنی دشمنان. استعاره‌های به‌کاررفته در این ابیات، بیانگر تقابل شدید میان آزادی‌خواهان و دشمنان آنها است. «اهریمن استبداد»، «مارهای در آستین» و «دیوان» همگی استعاره‌هایی هستند که دشمنان آزادی و مردم را به موجوداتی پلید، خائن و خطرناک تشبیه می‌کنند. این نوع استعاره‌ها علاوه بر ایجاد بار عاطفی و تأثیرگذار، مخاطب را به مقاومت و مبارزه با عوامل استبداد دعوت می‌کنند.

۱۴-۳- شهدا

اشکش کبوترانه به سوگ کبوتری بر نرده‌های خیس تماشا نشسته است (کاکایی، ۱۳۸۸: ۱۶۷)

مادر را به کبوتری غمگین تشبیه کرده که در سوگ کبوتری (استعاره مصرحه از فرزند شهیدش) گریه می‌کند.

بس که ابری‌ست هوای پرواز آسمان بغض کبوتر شده است (همان: ۴۵)

منظور از کبوتر در این شعر روح شهید است که از قالب جسم بیرون پریده و پرواز کرده است.

آفتاب بود سایه شد ولی سایه‌ات کجاست؟ ای هم‌نبردا! (همان: ۱۹)

آفتاب استعاره مصرحه از رزمنده‌ای که هم‌چون خورشید بر بلندای آسمان ایران سیر می‌کرد و به همه جا نور می‌بخشید ولی الان سایه شده است سایه، استعاره مصرحه از استخوان‌ها و بقایای پیکر شهید است.

راستی آن جنگل مغرور و توفانی کجاست رد پای سروهای سبز پیشانی کجاست (همان: ۹۱)

چنگ زد در پرده گوشم نسیمی نوحه‌گر من گلی گم کرده‌ام در باد، می‌دانی کجاست؟

سروهای سبز پیشانی: استعاره مصرحه از رزمندگان اسلام و شهداست. گل: استعاره مصرحه از شهید است. نسیم: جان‌بخشی دارد چون هم چنگ می‌زند و هم نوحه‌گر است.

پر هراس می‌شود، باز خواب‌های من روزهای تان کجاست؟ آفتاب‌های من (همان: ۳۷)

آفتاب استعاره مصرحه از شهیدان است.

ای زنده جاوید همان روز سرت را از نیزه ربودند و سپردند به آن‌ها (همان: ۱۲۴)

زنده جاوید: استعاره مصرحه است از شهید و مشخصاً حضرت سیدالشهدا (ع).

می‌زنیم به آب و آتش واسه تو مژغ عشقای بی نام و نشون
تو رو تا آخر دنیا دوس داریم وطن پرنده‌های مهربون (همان: ۹۳)

استعاره مصرحه: پرنده‌های مهربان یعنی شهید.

ای آینه! افسوس شکستی و پس از آن بسیار شدی نام تو بسیار نوشتند (همان: ۱۲)

استعاره مکنیه: مراد از آینه، سیدالشهدا است. و شکستی استعاره مکنیه از بدن تکه تکه شده است.

تا چه پیش آرد سموم هرزه گرد سهم گل در باد سرگردانی است (همان: ۲۶)

گل استعاره مصرحه است برای شهیدان؛ و نماد شهید و شهادت است. می‌گوید در باد سهم گل جز سرگردانی چه می‌تواند باشد.

استعاره‌هایی که کاکایی در مورد شهید به کار می‌برد، تصاویری زنده، پرشور و حماسی از شهید و رزمندگان را به تصویر می‌کشند. عبارت‌هایی مانند «کبوتر»، «آفتاب»، «گل»، «سرو» و «آینه» همگی نمادی از جاودانگی، خلوص، استقامت و فداکاری شهید هستند. این استعاره‌ها نه تنها به شعر زیبایی و عمق می‌بخشند، بلکه در انتقال ارزش‌های ملی و معنوی نیز نقشی ایفا می‌کنند.

۳-۱۵- جبهه‌های نبرد

فرار به سمت عاشقی، به کوچه‌های بی ریا به سادگی‌های زمین، به سنگرای آشنا (همان: ۸۳)

استعاره: کوچه‌های بی ریا استعاره مکنیه از جبهه‌ها. در این بیت، «کوچه‌های بی‌ریا» استعاره مکنیه از جبهه‌های جنگ است. شاعر با استفاده از این تصویر، فضای صمیمی و خالص را برای میدان نبرد ترسیم می‌کند، جایی که ریاکاری و فریب جایی ندارد و همه با ایمان و صداقت در کنار یک‌دیگر می‌جنگند.

قصه نبود سایه نبود رنگ فرشته بود و بس با پر زخمی می‌زدیم تو آسمون نفس نفس (همان: ۸۳)

استعاره مصرحه: منظور از رنگ فرشته، جبهه بود. استعاره مصرحه: ما همانند پرندگان پر داشتیم و در آسمان پرواز می‌کردیم. در این بیت، «رنگ فرشته» استعاره مصرحه از جبهه‌های جنگ است. شاعر با این ترکیب، جبهه را محلی پاک و مقدس توصیف می‌کند که سرشار از فداکاری و معنویت است.

نتیجه‌گیری

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که استعاره در شعر پایداری تنها یک ابزار زبانی صرف نیست، بلکه نقشی اساسی در برانگیختن مخاطب، انتقال پیام‌های سیاسی و اجتماعی و شکل‌دهی به گفتمان مقاومت دارد. شاعران این حوزه با استفاده از استعاره، مفاهیمی مانند مبارزه با ظلم، ایثار، شهادت، افشای استبداد و دعوت به قیام را با زبانی تأثیرگذار و هنری بیان کرده‌اند. مطالعه اشعار نشان می‌دهد که استعاره‌های مصرحه بیشترین کاربرد را در شعر پایداری دارند. دلیل این امر را می‌توان در شفافیت و وضوح کارکرد این نوع استعاره در انتقال مفاهیم اجتماعی و سیاسی دانست. به عبارت دیگر، شاعران ادب پایداری، به دنبال بیان مستقیم و اثرگذار حقیقت‌اند، نه رمزآلود ساختن آن. در نتیجه، استعاره‌های روشن و قابل فهم را بر تفاسیر پیچیده و انتزاعی ترجیح داده‌اند. از سوی دیگر، کاربرد استعاره در شعر پایداری بسته به شرایط تاریخی و اجتماعی تغییر کرده است. برای مثال، در شعر فرخی یزدی که در دوره مشروطه سروده شده است، استعاره غالباً در خدمت اعتراض، انتقاد و روشنگری سیاسی قرار دارد. فرخی از زبان تند و گزنده استفاده می‌کند تا چهره واقعی استبداد و خیانت را به مردم نشان دهد. اما در اشعار عبدالجبار کاکایی که در دوران دفاع مقدس و پس از آن فعالیت داشته است، استعاره بیشتر در خدمت حماسه‌آفرینی، بازنمایی فداکاری رزمندگان و توصیف شهادت و ایثار قرار گرفته است. به همین دلیل، لحن کاکایی کمتر انتقادی و بیشتر حماسی و احساسی است. به طور کلی، نتایج این پژوهش حاکی از آن است که استعاره در شعر پایداری، به عنوان ابزاری برای تقویت پیام‌های اجتماعی و سیاسی به کار می‌رود. شاعران این حوزه با بهره‌گیری از توانایی‌های زبانی، نه تنها بر زیبایی و تأثیرگذاری اشعار خود افزوده‌اند، بلکه به شکل‌گیری و تداوم گفتمان مقاومت و مبارزه در ادبیات فارسی نیز کمک کرده‌اند.

منابع

- ۱- الهامی، فاطمه؛ جهان‌نیده، عبدالغفور؛ میر، علیرضا (۱۳۹۷). بررسی استعاره در شعر عاشورایی معاصر، فنون ادبی، سال دهم، تابستان، شماره ۲.
- ۲- آقا بزرگیان معصومه‌خانی، آرش؛ ایرجی، مریم؛ حیات، عامری (۱۴۰۱). بررسی ابزارهای خلاقیت استعاری در شعر معاصر از منظر معنی‌شناختی، زبان‌شناخت، سال سیزدهم، بهار و تابستان، شماره ۱.
- ۳- تجلیل، جلیل (۱۳۸۵). معانی بیان، ویراستار دوم، چاپ اول، تهران: نشر دانشگاهی.
- ۴- دادبه، فرزانه، اصغر، بابک (۱۳۶۷). دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. جلد ۱۳، تهران: بیان.
- ۵- رستگار فسایی، منصور (۱۳۷۲). انواع شعر فارسی. شیراز: نوید شیراز.
- ۶- رستگار فسایی، منصور (۱۳۵۳). تصویر آفرینی در شاهنامه. شیراز: دانشگاه شیراز.
- ۷- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۹۵). شعر بی دروغ؛ شعر بی نقاب، چاپ دهم، تهران: علمی.
- ۸- زارع، محمدرضا (۱۳۹۵). ادب پایداری و استعاره‌های مقاومت، تهران: اندیشه‌سازان.
- ۹- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۹). ادوار شعر فارسی. تهران: توس.
- ۱۰- شمیسا، سیروس (۱۳۸۳). نگاهی تازه به بدیع، چاپ سوم، تهران: میترا.
- ۱۱- شمیسا، سیروس (۱۳۸۵). بیان، تهران: میترا.
- ۱۲- علی زاده آملی، علی؛ سید علیرضا، حجازی (۱۳۹۳). کنگره ملی پژوهش‌های کاربردی علوم انسانی اسلامی.
- ۱۳- فرخی یزدی، محمد (۱۳۵۷). دیوان فرخی یزدی، به کوشش حسین مکی، تهران: امیرکبیر.
- ۱۴- کاکایی، عبدالجبار (۱۳۸۶). حق با صدای توس، تهران: همراه.
- ۱۵- کاکایی، عبدالجبار (۱۳۸۸). فرصت نایاب، تهران: انجمن شاعران ایران.
- ۱۶- کاکایی، عبدالجبار (۱۳۹۵). بی چتر و بارانی، کرج: شانی ناشر همکار پایتخت.
- ۱۷- هاشمی، احمد (۱۳۷۷). جواهر البلاغه، ترجمه حسن عرفان. قم: بلاغت. جلد دوم، چاپ نهم.
- ۱۸- همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۳). فنون بلاغت و صناعات ادبی. چاپ نهم. تهران.
- ۱۹- نجاریان، محمدرضا؛ سرخی‌زاده، زهره (۱۴۰۰). استعاره در اشعار کودکانۀ محمود کیانوش و سلیمان العیسی. پژوهش‌های دستوری و بلاغی، سال یازدهم، شماره ۱۹، بهار و تابستان ۱۴۰۰.
- ۲۰- نظری چروده، احمدرضا؛ نصر رمزی، زهره (۱۴۰۰). بررسی و مقایسه استعاره در اشعار پروین اعتصامی و محمدعلی بهمنی. هفتمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه زبان و ادبیات ایران.

Metaphor and its use in poetry: Persistence in the Constitutional Revolution and the Islamic Revolution

(Based on the poems of Farrokhi Yazdi and Abdoljabbar Kakaei)

Marzieh Ghasemi Jojili ¹, Mohammad Reza Yousefi ^{2*}, Reza Fahimi ³

¹ Department of Persian Language and Literature, Sav.C. Islamic Azad University, Saveh, Iran.

Email: ma.ghasemi3697@iau.ac.ir

^{2*} Department of Persian Language and Literature, University of Qom, Qom, Iran.

³ Department of Persian Language and Literature, Sav.C. Islamic Azad University, Saveh, Iran.

Email: Fahimi@iau.ac.ir

Abstract

Metaphor is one of the complex ways of thinking and expressing meanings that plays a fundamental role in the creation of literary works and the expression of the poet's unspeakable thoughts. From a rhetorical perspective, metaphor is more eloquent than simile, and therefore plays a significant role in conveying the poetic message. The root of this approach lies in the current political and social conditions, the poet's personal experiences, and his intellectual and philosophical tendencies. In Paydar poetry, metaphor is used as an effective tool for creating lasting themes and has given it trans-spatial and trans-temporal characteristics. In recent centuries, Iran experienced the Constitutional Revolution with a national approach and the Islamic Revolution with a religious approach. Naturally, the similarities and differences of these two revolutions are reflected in its Paydar poetry. This research has, for the first time, conducted a comparative study of the use of metaphor in poetic imagery in the poetry of the Constitutional Revolution and the Islamic Revolution by studying two prominent poets of the two aforementioned revolutions, Farrokhi Yazdi and Abdul Jabbar Kaka'i. These two are poets who, through their creative use of metaphor, have left behind novel poetic images and new interpretations in the field of sustainability poetry. The findings of the research, which was conducted using a descriptive-analytical method based on library data with the aim of examining the functions of metaphor in the sustainability poems of these two poets, show that metaphors are used in various forms such as epithets, allusions, invigoration, identification, and denotation, and express diverse meanings such as peace, freedom, sustainability, martyr, fighters, land, and enemy. These functions reflect the intellectual richness of the poets and their innovation in using linguistic and literary capacities. This research shows how metaphors have helped create sustainability themes and have played a key role in the effectiveness of the poems.

Keywords: Metaphor, Sustainability Poetry, Farrokhi Yazdi, Abdul Jabbar Kakaei, Contemporary Literature.